

به نام خدا

## اصحاب کهف و رقیم

# مطالعه تطبیقی متون دینی و دیدگاه پژوهشگران و محققان

مؤلف:

دکتر مریم شهر کی سربند

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[Chaponashr.ir](http://Chaponashr.ir)

سرشناسه: شهرکی سربند، مریم، ۱۳۵۹  
عنوان و نام پدیدآور: اصحاب کهف و رقیم مطالعه تطبیقی متون دینی و دیدگاه پژوهشگران و محققان / مولف مریم شهرکی سربند  
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۹۴۶-۶  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: اصحاب کهف و رقیم - مطالعه تطبیقی متون دینی - دیدگاه پژوهشگران و محققان  
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی: ۶۶۸/۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۳۷۶۱۹  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: اصحاب کهف و رقیم مطالعه تطبیقی متون دینی و دیدگاه پژوهشگران و محققان

مولف: مریم شهرکی سربند

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: محدثه فرهمند - الهام غفاری

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴

چاپ: زبرجد

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۹۴۶-۶

تلفن مرکز یخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست

### فصل اول: زمینه های تاریخی و سیاسی پدیداری روم باستان ..... ۱۱

- ۱۱ ..... روم باستان، دین و سیاست
- ۱۳ ..... جغرافیای سیاسی روم باستان
- ۱۹ ..... ساختار اجتماعی امپراتوری روم
- ۲۰ ..... مذهب رومیان در ادوار مختلف
- ۲۲ ..... اهمیت پیشگویی و ریشه های سه گانه باورها
- ۲۳ ..... تحول تثلیث های رومی و ایدئولوژی سه گانه هندواروپایی
- ۲۳ ..... خدایان در روم باستان
- ۳۰ ..... معبدها، آیین ها و کاهنان

### فصل دوم: اصحاب کهف و رقیم در کتب آسمانی ..... ۳۳

- ۳۳ ..... داستان اصحاب کهف در عهدین
- ۳۷ ..... قصص قرآنی
- ۴۰ ..... مفهوم شناسی داستان
- ۴۱ ..... تعریف داستان
- ۴۳ ..... مفهوم قصه در قرآن
- ۴۴ ..... انواع قصه های قرآنی
- ۴۷ ..... اهداف قصه پردازی در کتب آسمانی
- ۴۹ ..... قرآن کریم و داستان گذشتگان
- ۴۹ ..... داستان اصحاب کهف و رقیم در قرآن
- ۵۵ ..... اصحاب کهف در منابع اهل سنت

فصل سوم: دیدگاه مفسران و قرآن پژوهان در مورد اصحاب کهف و رقیم ..... ۵۹

بررسی و تحلیل نظرات مفسران در باب مکان ، تعداد، زمان ، سگ اصحاب کهف ..... ۵۹

اسامی و تعداد اصحاب کهف..... ۵۹

مدت خواب اصحاب کهف..... ۶۴

پادشاهان دوره ی اصحاب کهف..... ۶۷

تاریخ وقوع حادثه..... ۷۰

خصوصیات اعتقادی اصحاب کهف و قومشان..... ۷۴

مکان جغرافیایی شهر و غار اصحاب کهف..... ۸۰

اختلاف نظرها و داستان پردازی ها درباره سگ اصحاب کهف..... ۹۰

اصحاب رقیم و بالا گرفتن اختلاف نظرها..... ۹۲

فصل چهارم: دیدگاه تاریخ پژوهان و جغرافی نویسان در باب اصحاب کهف و رقیم ..... ۱۰۱

پیشینه اصحاب کهف در اروپا..... ۱۰۱

دیدگاه مورخین در مورد اصحاب کهف و رقیم..... ۱۱۱

مکان جغرافیایی اصحاب کهف..... ۱۱۱

اسامی و تعداد اصحاب کهف..... ۱۲۰

دین اصحاب کهف و قومشان..... ۱۲۵

پادشاهان دوره اصحاب کهف..... ۱۲۹

زمان وقوع داستان اصحاب کهف..... ۱۳۲

سال های خواب اصحاب کهف در غار..... ۱۳۴

دیدگاه مورخین در مورد سگ اصحاب کهف..... ۱۳۸

دیدگاه مورخین در مورد واژه رقیم..... ۱۴۰

نظرات جغرافی نویسان در مورد اصحاب کهف و رقیم..... ۱۴۴

دیدگاه جغرافی نویسان در مورد مکان اصحاب کهف و رقیم..... ۱۴۴

دیدگاه جغرافی نویسان در مورد تعداد و اسامی اصحاب کهف و رقیم..... ۱۴۸

دیدگاه جغرافی نویسان در مورد دین اصحاب کهف..... ۱۵۰

پیوست ها..... ۱۵۱

## منابع و مأخذ ..... ۱۵۷

منابع فارسی..... ۱۵۷

منابع عربی..... ۱۶۱

مقالات..... ۱۶۵

منابع انگلیسی..... ۱۶۶

منابع ترکی..... ۱۶۸



## سخنی با خواننده

در منظومه‌ی فکری اسلام، غایت آفرینش انسان، حرکت مستمر او به سوی کمال مطلق و تقرب الی‌الله تبیین شده است. در این چارچوب، عبودیت و بندگی خالصانه به‌منزله‌ی مسیر اصلی نیل به این کمال نهایی تلقی می‌گردد. از این‌رو، ارتقای آگاهی انسان نسبت به ساختار و نظام آفرینش، نه‌تنها زمینه‌ی ادراک عمیق‌تر اسرار، شگفتی‌ها و اعجاز خلقت را فراهم می‌سازد، بلکه او را برای تحقق عبودیت آگاهانه و اختیاری مهیاتر می‌کند. روشن‌شدن ابعاد رمزی و حکمی پدیده‌های عالم وجود، علاوه بر این، بستر تضعیف و زدودن خرافات و انحرافات فکری را که از جهل و غفلت بشری ناشی شده، مهیا می‌نماید. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به تفکر و تأمل در اسرار کائنات و تأمل در شگفتی‌های خلقت و عبرت‌گیری از آن‌ها فرامی‌خواند. همچنین در آیات فراوان دیگری، به جایگاه رفیع معرفت، علم و عالمان تأکید شده است. آغاز رسالت نبوی نیز با فرمان «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» - یعنی «بخوان به نام پروردگارت که آفرید» - همراه است؛ این آغازگری خود بیانگر پیوند وثیق و وحی با معرفت، تعلیم و تعلم است. از سوی دیگر، قرآن به‌عنوان معجزه‌ی جاوید خاتم‌الانبیا (ص) جایگاهی بنیادین در الهیات اسلامی دارد. اشارات مکرر به معجزات الهی در قرآن نه‌تنها نشانه‌هایی از قدرت و عظمت خداوند هستند، بلکه به‌عنوان براهین صدق رسالت پیامبران و وحی الهی معرفی می‌شوند. بدین ترتیب، کارکرد معرفتی و ایمانی معجزات، علاوه بر اثبات حقانیت پیامبران، در تقویت باورهای دینی و ارتقای سطح معرفت ایمانی مخاطبان نیز قابل تحلیل است. در منظری فراتر، معجزات به‌مثابه‌ی آموزه‌هایی تربیتی و معرفت‌شناختی، تجلی قدرت لایزال الهی و ضرورت تبعیت از نظام تشریح الهی را به نوع بشر یادآور می‌شوند. اثر حاضر با هدف تعمیق مباحث قرآنی - تاریخی و شناخت دقیق‌تر مفاهیم این منبع وحی الهی تدوین گردیده است. در این پژوهش، با اتکاء بر رویکردی روشمند و تحلیلی به منابع متکثر فارسی، عربی، ترکی و انگلیسی و نیز با بهره‌گیری از روش‌های بینارشته‌ای، قرائتی نوین از مفاهیم و داستان‌های قرآنی ارائه شده است. بنا بر نتایج بررسی‌های انجام‌یافته، تا کنون پژوهشی با این گستره‌ی موضوعی و رویکرد روش‌شناختی تألیف نگردیده و این مطالعه نمونه‌ای از واکاوی مسائل قرآن در پیوند با تاریخ و جغرافیای اسلامی محسوب می‌شود. در این چارچوب، معرفی و تحلیل آثار و پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون موضوعات خاص - از جمله داستان اصحاب کهف - ضرورتی دوچندان دارد؛ چراکه این حوزه از روایت‌های قرآنی نه‌تنها در بُعد اعتقادی، بلکه در بُعد تاریخ‌نگاری و جغرافیای فرهنگی اسلام نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.



## مقدمه

روایت قرآنی «اصحاب کهف و رقیم» از مهم‌ترین و چندلایه‌ترین داستان‌های قرآن کریم است که به واسطه‌ی پیوند عمیق آن با تاریخ، عقاید و جغرافیای فرهنگی، همواره کانون توجه مفسران، مورخان و جغرافی‌نویسان بوده است. با وجود گستردگی منابع، اختلاف نظرهای در جزئیات این داستان میان پژوهشگران مشاهده می‌شود که این امر نشان‌دهنده‌ی ظرفیت بالای موضوع برای تفسیرهای گوناگون و نیز نبود پژوهشی جامع و نظام‌مند در این زمینه است. هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه‌ی نگاهی کلان، روشمند و فراگیر به دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی داستان اصحاب کهف از منظر سه گروه اصلی مفسران قرآنی، مورخان و جغرافی‌نویسان است. فقدان پژوهشی مستقل که همزمان به مقایسه‌ی نظام‌مند آرای این سه گروه و تطبیق آن‌ها با مضامین قرآن کریم و متون مقدس دیگر ادیان بپردازد، انگیزه‌ی اصلی تدوین این تحقیق بوده است. در این راستا، تلاش شده است با واکاوی دقیق منابع معتبر و بهره‌گیری از روش‌شناسی مقایسه‌ای و میان‌رشته‌ای به تبیین نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های یادشده، پرداخته شود و تصویری روشن‌تر از چالش‌ها و مباحثی که در طول تاریخ پیرامون این داستان مطرح بوده، ترسیم گردد. پژوهش حاضر همچنین در پی آن است که نشان دهد چگونه هر یک از این گروه‌های معرفتی، با توجه به زمینه‌های تخصصی، ابزارها و روش‌های خود از تفسیر نقلی و تحلیلی تا تاریخ‌نگاری و جغرافیای به فهم و تبیین داستان اصحاب کهف پرداخته‌اند. این مطالعه، با ارائه‌ی پاسخ‌هایی نزدیک‌تر به واقعیت تاریخی و با اتکا به تحلیل علمی و تطبیقی، می‌کوشد سهمی در ارتقای مطالعات نوین قرآنی و تاریخی ایفا نماید.

در پایان، وظیفه‌ی اخلاقی خود می‌دانم مراتب سپاس و امتنان عمیق خویش را نسبت به استادان گرانقدرم ابراز دارم؛ به‌ویژه جناب استاد دکتر باغستانی کوزه‌گر، جناب استاد دکتر اسد بیگی که در طول تحصیل از مهر پدرانه و دانش بی‌دریغ ایشان بهره برده‌ام، و نیز استاد ارجمند دکتر محمدعلی احمدیان که با صبر، حوصله و راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود مرا در انجام این پژوهش یاری کردند. همچنین، از خانواده‌ی عزیزم که با حمایت‌های همه‌جانبه، پشتیبان و مایه‌ی دلگرمی و آرامش من در پیمودن این مسیر پرفرازونشیب بودند، صمیمانه قدردانی می‌کنم. این اثر را با نهایت احترام و فروتنی به یاد روح پدر فرهیخته ام استاد غلام حیدر شهرکی سربند و برادر گرانقدرم مهندس ابوالفضل شهرکی سربند که اجل مهلت نداد تا این موفقیت را در کنار آنان جشن بگیرم، تقدیم می‌کنم. در پایان از درگاه پروردگار متعال، فرونی بندگی و توفیق خدمت به دین را برای خود، و سلامت و گسترش دانش و معرفت را برای استادان فرهیخته و خوانندگان گرامی مسئلت دارم.



## فصل اول

### زمینه های تاریخی و سیاسی پدیداری روم باستان

#### روم باستان، دین و سیاست

تاریخ روم باستان جایگاهی بی بدیل و محوری در درک تاریخ تمدن جهانی دارد. اهمیت این امپراتوری نه صرفاً به دلیل قدرت نظامی، بلکه به واسطه گستره‌ی جغرافیایی بی سابقه‌ای است که در نهایت توانست بر آن مسلط شود و تلاقی‌گاه کهن‌ترین تمدن‌های شناخته شده‌ی بشری در حوضه‌ی مدیترانه باشد. داستان روم با بنیان نهادن اسطوره‌ای و سنتی شهر رم در حدود ۷۵۳ پیش از میلاد آغاز می‌شود؛ این تاریخ نقطه‌ی آغازین تعریف موجودیت جغرافیایی و فرهنگی است که تمدن روم باستان را شکل داد. البته، شایان ذکر است که شبه جزیره ایتالیا، خاستگاه رم، خود دارای یک تاریخچه‌ی پیشاتاریخی غنی بوده و پیش از ظهور رومیان اقوام باستانی متنوعی، هم ایتالیایی و هم غیرایتالیایی، سکونت داشتند. گسترش نفوذ روم به صورت گام به گام اتفاق افتاد. در ابتدا، این شهر کنترل خود را بر مناطق مرکزی و جنوبی ایتالیا تثبیت کرد. با این حال، نقطه عطف تاریخی که روم را از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت جهانی تبدیل کرد، وقوع جنگ‌های سرنوشت‌ساز و خونین بود، به ویژه جنگ‌های پونیک علیه قدرت دریایی و تجاری کارتاژ. این نبردها، که هم در داخل و هم خارج از شبه جزیره ایتالیا به وقوع پیوستند، سرنوشت مدیترانه را تعیین کردند.

پیروزی‌های نظامی قاطع در این درگیری‌ها، به رومی‌ها امکان داد تا کنترل خود را بر کل حوضه‌ی دریای مدیترانه گسترش دهند، تا آنجا که این دریا در ادبیات آن‌ها عملاً به دریای ما مشهور شد. این تسلط کامل، پیامدهای عمیق و گسترده‌ای داشت که بر ساختارهای حکومتی، توسعه حقوقی و زیرساخت‌های فرهنگی نه تنها در پایتخت، روم، بلکه در تمامی سرزمین‌های مدیترانه‌ای تحت نفوذ و حاکمیت آن‌ها تأثیر گذاشت و میراث ماندگاری را بنیان نهاد. تسلط نظامی و سیاسی روم، به ویژه پس از پیروزی‌های بزرگ، باعث شد که رومی‌ها کنترل خود را بر کل حوضه دریای مدیترانه گسترش دهند، به طوری که این دریا عملاً به پهنه رومی تبدیل شد. این تسلط یک اهمیت ویژه داشت که تأثیرات گسترده‌ای بر رم، بقیه ایتالیا و بسیاری از کشورهای مدیترانه‌ای بر جای گذاشت. مذهب روم یکی از موضوعات چالش برانگیز و پیچیده در تاریخ این تمدن است، به خصوص به این دلیل که یک تلفیق ناهمگن از اعتقادات مذهبی محلی و خارجی به شمار می‌رفت. برای رومیان هیچ مانعی برای پذیرش هرگونه اعتقاد مذهبی که می‌توانست

برایشان سودمند باشد، وجود نداشت؛ خواه آن اعتقاد به حل بحران‌هایشان کمک می‌کرد یا به آن‌ها در داشتن یک زندگی بهتر یاری می‌رساند. ماهیت بین‌المللی و مهاجرپذیر شهر رم در این امر نقش کلیدی داشت. مهاجران از سراسر قلمرو روم به این شهر می‌آمدند و معمولاً خدایان و آیین‌های مذهبی خود را به همراه می‌آوردند، که این خود بیشترین تأثیر را بر زندگی و اعتقادات مذهبی رومیان می‌گذاشت. در نتیجه، دین رومی مجبور بود با توجه به شرایط هر دوره، مراحل تحول مختلفی را طی کند. این تحول آشکار در دین روم با تغییر شکل و انتقال از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر ظاهر شده است. در دوران بسیار اولیه، رومیان به روح‌ها یا موجودات غیبی نامرئی اعتقاد داشتند که معتقد بودند تمامی امور زندگی آن‌ها را اداره می‌کنند.<sup>۱</sup> اعتقاد اولیه رومیان به ارواح یا موجودات غیبی نامرئی با گذشت زمان دستخوش تحول شد و این ارواح تدریجاً به خدایانی با ویژگی‌های انسانی‌تر تبدیل شدند، که شباهت زیادی به خدایان همسایگان خود، به‌ویژه یونانیان و همچنین خدایان دیگر تمدن‌ها و مردمان یافتند. اما این دگرگونی یک فرآیند یکسان و خطی نبود؛ بلکه خدایان رومی همچنان خصیصه‌های منحصر به فرد مربوط به زمین‌ها، قلمروها و سنت‌های خود را حفظ کردند.

تأثیرات یونانی برجسته‌ترین تأثیر خارجی بر دین روم بود. این تأثیرات آشکارا از طریق مشابهت خدایان رومی با خدایان یونانی (مانند ژوپیتر/ژئوس و ونوس/آفرودیت) قابل مشاهده بود، که اغلب منجر به همسانی دو خدا و پذیرش اساطیر یونانی توسط رومیان می‌شد. مردم روم به دلیل موفقیت چشمگیرشان در سازش و تلفیق میان بیش از یک خدا و بیش از یک آیین شهرت داشتند. این سازگاری به ویژه در اواخر دوره جمهوری و اوایل دوره امپراتوری، پس از ورود تعداد زیادی از خدایان خارجی و شرقی مشهود شد. از جمله مهم‌ترین این خدایان می‌توان به الهه مصری ایزیس، الهه فریجی سیبیل، و ایزد ایرانی میترا اشاره کرد. علاوه بر این، آیین‌های رمز و راز شرقی نیز در پی ارتباطات گسترده و آشکار رومیان با شرق، در اواخر دوران جمهوری و اوایل امپراتوری روم به سرعت گسترش یافتند و جایگاه ویژه‌ای در زندگی مذهبی رومیان یافتند.<sup>۲</sup> این ارواح به خدایانی شبیه خدایان همسایگان خود یونانیان و همچنین خدایان سایر تمدن‌ها و مردمان تبدیل می‌شوند. تأثیرات یونانی از برجسته‌ترین تأثیرات خارجی در دین روم است، این تأثیرات از طریق شباهت خدایان روم با خدایان یونانی مشهود و آشکار بود. از آنجا که مردم روم از موفق‌ترین افراد در سازش بین بیش از یک خدا و بیش از یک آیین بودند، و این همان چیزی است که در اواخر جمهوری پس از ورود تعدادی از خدایان خارجی و شرقی اتفاق افتاد: مانند الهه مصری ایزیس و الهه فریجی سیبیل و ایزد ایرانی میترا. علاوه بر آن آیین‌های رمز و رازی

<sup>۱</sup>. احمدی، فرج الله (۱۳۹۹)، تاریخ جامع روم باستان: سیاست، فرهنگ و مذهب، تهران: خوارزمی،

ص ۲۵۱-۲۵۳

<sup>۲</sup>. محمدی، سارا (۱۴۰۰)، اساطیر و آیین‌های روم باستان، تهران: انتشارات تاریخ کهن، ص ۲۱۰

شرقی هنگامی که رومی ها در اواخر دوران جمهوری و اوایل امپراتوری روم با شرق ارتباط آشکار داشتند. گسترش یافت.<sup>۱</sup>

### جغرافیای سیاسی روم باستان

ایتالیا واقع در شبه جزیره اپنینیس<sup>۲</sup> و از سه طرف توسط دریاهای ادریاتیک<sup>۳</sup>، آیونی<sup>۴</sup> و تیرانی<sup>۵</sup> احاطه شده است. کوه های عظیم به عنوان یک حائل طبیعی قدرتمند عمل کرده و این شبه جزیره را از سایر نقاط قاره اروپا مجزا می کنند. همانطور که استرابون، جغرافی دان یونانی، به درستی ذکر کرده است، کوه های آلپ در ترکیب با دریاهایی که ایتالیا را از سه جهت احاطه کرده اند (تیرنی، ادریاتیک و ایونی)، نقشی مشابه یک دژ محکم و تسخیرناپذیر را در برابر حملات دشمنان ایفا می کردند و برای قرن ها یک دیوار دفاعی مؤثر محسوب می شدند. این احاطه دریایی و مزیت دفاعی که به آن اشاره شد، هم زمان یک آسیب پذیری استراتژیک قابل توجه را نیز برای شبه جزیره ایتالیا به همراه داشت. این سه دریا (دریای تیرنی، ادریاتیک و ایونی) که از سه جهت ایتالیا را احاطه کرده بودند، در عمل به عنوان منافذ باز و مسیرهای ورودی اصلی عمل می کردند. در نتیجه، این آبراه های حیاتی دو کارکرد متناقض ایفا می کردند: از یک سو، زمینه ساز توسعه تجارت پررونق و تبادلات فرهنگی گسترده با تمدن های مدیترانه ای بودند که نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی و فرهنگی روم داشت؛ و از سوی دیگر، در طول تاریخ، این مسیرهای دریایی دقیقاً به دروازه هایی برای تهاجمات نظامی تبدیل می شدند و دسترسی آسان و سریع مهاجمان را به سواحل و مناطق داخلی ایتالیا تسهیل می کردند و چالش های دفاعی دائمی و حیاتی برای دولت روم ایجاد می نمودند.<sup>۶</sup> وجود دریاها و آبراه های گسترده پیرامون شبه جزیره، زمینه ی حیاتی برای برقراری ارتباطات مداوم میان ایتالیا و سایر ملل و تمدن های حوضه مدیترانه را فراهم آورد. این تعاملات و مراودات از ازنه بسیار قدیم چنان تأثیرگذار و عمیق بودند که ایتالیا را به یک نماینده و پل فرهنگی برجسته برای کل تمدن مدیترانه تبدیل کردند. در حقیقت، این موقعیت دریایی، ایتالیا را به یک چهارراه فرهنگی بدل کرد که نه تنها تبادلات تجاری، بلکه انتقال مفاهیم، هنر، و سبک زندگی مدیترانه ای را تسهیل بخشید و هویت فرهنگی منحصر به فرد آن را در بستر تاریخ شکل داد.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup>. همان، ص ۲۱۳

<sup>۲</sup>. Apenninus

<sup>۳</sup>. Adriatic Sea

<sup>۴</sup>. Ionian Sea

<sup>۵</sup>. Tyrrhenian Sea

<sup>۶</sup>. رضایی، حمید (۱۴۰۱)، در کتاب **جغرافیای تاریخی و استراتژیک مدیترانه**، اصفهان: نقش جهان، ص ۱۰۸-

۱۱۰

<sup>۷</sup>. دیاکوف، ف و کوفالیف، س، (۲۰۰۰)، **الحضارات القديمة : الجزء الثاني**، ترجمه نسیم واکیم الیازجی،

دمشق: دارعلاء الدین، ص ۴۰۳

جغرافیای ایتالیا از نظر ساختاری از دو بخش مجزا و دو منطقه بزرگ اصلی تشکیل شده است. منطقه نخست شامل بخش شمالی ایتالیا است که با امتداد یافتن رشته کوه‌های آلپ در مرزهای شمالی و وجود دشت‌های حاصلخیز در اطراف جریان رودهای مهمی چون پو<sup>۱</sup> و راین و رون، مشخص می‌شود. در مقابل، منطقه دوم شامل بخش جنوبی شبه جزیره ایتالیا است؛ این بخش دارای یک ساختار دراز و باریک است که با ویژگی‌های برجسته‌ای نظیر سواحل طولانی و چشمگیر در ارتباط دائمی با دریاهای مدیترانه مشخص می‌شود و تفاوت‌های اقلیمی و توپوگرافیک مهمی با شمال کشور دارد. این ناحیه دارای آتشفشانهایی است که در مناطق یا ایالت‌های اتروریا<sup>۲</sup> و لاتیوم<sup>۳</sup> و کمپانیا<sup>۴</sup> قرار دارد. ایتالیا سرزمینی است که در مقیاس کشورهای حوضه دریای مدیترانه از موقعیت جغرافیایی کم‌نظیر و راهبردی بهره می‌برد. این جایگاه و دسترسی بی‌واسطه به آبراه‌های حیاتی مدیترانه، زیربنای اصلی برای تحقق بلندپروازی‌های نظامی و توسعه‌طلبانه رومیان بود که موفقیت‌های چشمگیری در کشورگشایی‌ها و جنگ‌ها به ارمغان آورد.<sup>۵</sup> رم خود به عنوان یک شهر کانونی، در ناحیه لاتیوم بنیان نهاده شد؛ این منطقه در بخش غربی شبه جزیره ایتالیا قرار گرفته و ساکنان بومی آن به نام لاتینی‌ها شهرت داشتند. رومیان، که هسته اصلی مردم باستانی ایتالیا را تشکیل می‌دادند، به زبان لاتین تکلم می‌کردند. ساختار طبیعی شبه جزیره ایتالیا، از دیدگاه تاریخ‌نگاران و جغرافی‌دانان بومی، به صورت سنتی به دو بخش اصلی تقسیم شده است که تمایزات توپوگرافیک و اقتصادی آن‌ها بر تاریخ این سرزمین تأثیر بسزایی گذاشته است. نخست بخشی است که شامل مردم ایتالیا می‌شود که در مقدمه لاتینی‌ها به همراه دیگر مردم مثل قبایل سامنیت‌ها<sup>۶</sup> بودند. بخش دیگر شامل مردمی بود که به آن‌ها مردم غیر ایتالیایی گفته می‌شد و منظور از آن‌ها مردمی بود که از مناطق دیگر به ایتالیا آمده بودند و مانند یونانی‌ها<sup>۷</sup> و اتروسکین‌ها<sup>۸</sup> زندگی می‌کردند.<sup>۹</sup>

<sup>۱</sup>. po

<sup>۲</sup>. Etruria

<sup>۳</sup>. Latium

<sup>۴</sup>. Campania

<sup>۵</sup>. السعدنی، محمود ابراهیم، (۱۹۹۷)، **معالم تاریخ روما القدیم (مندنشأتها و حتی نهاییه القرن الاول**

**المیلادی)**، القاهرة: دارنهضه الشرق، ص ۳۲

<sup>۶</sup>. السعدنی، محمود ابراهیم، (۱۹۹۸)، **حضاره الرومان: مند نشأتها حتی نهاییه القرن الاول المیلادی**، القاهرة:

عین ادراسات و البحوث الانسانیه و الاجتماعیه، ص ۴۰

<sup>۷</sup>. Samnites

<sup>۸</sup>. Greeks

<sup>۹</sup>. Etruscan

<sup>۱۰</sup>. فرح، أبو الیسر، (۲۰۰۲)، **تاریخ مصر فی عصری البطالمه و الرومان**، مصر: عین الدراسات و البحوث الانسانیه



(نقشه جغرافیایی ایتالیا و سیسیلی - مهد روم باستان، ۲۰۰۴، Boatwright and others).

در بستر شکل‌گیری تمدن در شبه جزیره ایتالیا در حدود قرن هشتم پیش از میلاد، توسعه فرهنگی و سیاسی منطقه متأثر از همزیستی و تعامل سه عنصر انسانی کلیدی بود که هر یک سهم متمایزی در شهرت و تکامل این سرزمین ایفا کردند. این جمعیت‌های مؤثر شامل آتروسک‌ها<sup>۱</sup> بودند که در نواحی شمالی‌تر از منطقه لاتیوم استقرار داشتند و تأثیرات معماری، مذهبی و حکومتی شگرفی بر روم اولیه گذاشتند؛ یونانیان<sup>۲</sup> که با تأسیس مستعمرات متعدد در جنوب ایتالیا (موسوم به مگنا گراسیا یا یونان بزرگ) و شمال سیسیل، غنای فرهنگی و دستاوردهای هلنی را به طور مستقیم به منطقه تزریق کردند؛ و در نهایت، سلت‌ها که حدود دو قرن بعد از شمال و از مسیر رود دانوب وارد شبه جزیره شده و به عنوان یک عنصر جمعیتی جدید، نفوذ خود را تا دشت‌های حاصلخیز رود پو گسترش دادند و چالش‌های نظامی عمده‌ای برای رومیان اولیه ایجاد کردند.

همزمان با این تحولات داخلی، دریای مدیترانه که بین سه قاره گسترده شده است، همواره به عنوان یک صحنه ژئوپلیتیک دائمی برای رقم خوردن حوادث مهم و سرنوشت‌ساز عمل کرده است. از این منظر، شبه جزیره ایتالیا به همراه جزیره سیسیل، به مانند یک پل طبیعی عمل می‌کردند که مدیترانه را به دو بخش متمایز حوضه شرقی و حوضه غربی تقسیم می‌نمودند. حوضه شرقی مدیترانه به واسطه ارتباطات تاریخی و دسترسی آسان خود به تمدن‌های پیشرفته

<sup>۱</sup>. Etruscans

<sup>۲</sup>. Greek Colonists

شرق (شرق نزدیک، مصر و یونان)، به یک مسیر اصلی برای ورود این تمدن‌ها و تأثیراتشان به سوی جنوب اروپا و کشورهای یونان و ایتالیا تبدیل شد. در مقابل، حوضه غربی مدیترانه (شامل شمال آفریقا و اسپانیا)، برای مدت‌های طولانی به دلیل موانع جغرافیایی و عوامل سیاسی موجود، از برخورد و تعامل مستقیم و گسترده با نفوذ تمدن‌های شرقی به دور مانده بود و در نتیجه، مسیر توسعه تمدنی نسبتاً متفاوتی را در پیش گرفت تا زمانی که روم کنترل کامل منطقه را به دست آورد.<sup>۱</sup>

اما این تفاوت و انزوای نسبی میان حوضه‌های مدیترانه، زمانی که روم به صورت پی در پی تسلط نظامی و سیاسی خود را ابتدا بر حوضه غربی و سپس بر حوضه شرقی گسترش داد، کاملاً از میان رفت. این تسلط جامع، عملاً دریای مدیترانه را به یک نهاد یکپارچه تبدیل کرد، تا جایی که رومیان آن را با غرور "دریای ما" خطاب می‌کردند.<sup>۲</sup> این امر دقیقاً در دورانی تحقق یافت که امپراتوری روم کل حوضه مدیترانه را در احاطه خود داشت و آن را به یک "دریاچه رومی داخلی" مبدل کرده بود.

جمهوری روم پس از فروپاشی در سال ۵۰۹ پیش از میلاد تأسیس شد. همه مردم در طی دو قرن ۵ و ۶ قبل از میلاد برای دستیابی به حقوق سیاسی و حق برابری برای همه مبارزه کردند. اما همچنان ثروت و موقعیت اجتماعی عامه را از اشراف جدا می‌کرد.<sup>۳</sup> جمهوری نوپای روم در طول قرن چهارم پیش از میلاد، دوره‌ای حیاتی از گسترش نظامی و سیاسی را پشت سر گذاشت که سرنوشت آن را در شبه‌جزیره ایتالیا رقم زد و این روند با کسب پیروزی‌های مهمی علیه اتروسکیان، که همسایگان قدرتمند و رقیب اصلی در مرکز ایتالیا بودند، آغاز شد، اما این پیروزی‌ها با یک فاجعه بزرگ در سال ۳۹۰ قبل از میلاد قطع شد، هنگامی که قبیله‌ای از گال‌ها که از شمال به ایتالیا هجوم آورده بودند و در نبرد آلیا ارتش روم را شکست داده بودند، شهر روم را به جز تپه کاپیتول به آتش کشیده و تاراج کردند؛ با وجود این عقب‌نشینی ویرانگر، رومیان با بازسازی سریع شهر و تجدید قوای نظامی، به تلاش برای تسلط بر ایتالیا ادامه دادند و این روند با پیروزی تعیین‌کننده بر حلقه لاتینی‌ها در سال ۳۳۸ پیش از میلاد به اوج خود رسید که در پی آن، روم بر این اتحادیه شهرهای همسایه غالب شد و شبکه گسترده‌ای از اتحادها و شهروندی‌های متفاوت را ایجاد کرد که نیروی انسانی عظیمی در اختیارش قرار می‌داد، و در نتیجه، این توانایی فزاینده و پیروزی‌های متوالی در جنگ‌های سامنی و غلبه بر رقبای جنوبی، سرانجام منجر به این شد که تا سال ۲۷۵ پیش از میلاد، جمهوری روم بر اکثر شبه‌جزیره ایتالیا

۱. ناصری، مجید (۱۳۹۷)، در کتاب ریشه‌های تمدن روم: مطالعات فرهنگی و جغرافیایی، تهران: میراث، ص ۹۵

۲. حسین، عاصم احمد، (بی تا)، *دراسات فی تاریخ الامبرازوریه الرومانیه و حضارتها*، الجیزه: المكتبة العمرانیه لأوفیست، ص ۳

۳. معدی، الحسینی الحسینی (۲۰۱۰)، *یولیوس قیصر حیاہ اسطوریہ و نہایہ مأساویہ*، دمشق-القاهره: دارالکتاب العربی، ص ۱۰

حکمرانی کامل کند و زیربنای لازم برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ مدیترانه‌ای را محکم سازد. پس از آنکه مستعمره یونانی تارنتوم<sup>۱</sup> را که در جنوب ایتالیا وجود داشت و پادشاه یونانی پیروس<sup>۲</sup> را که حامی تارنتوم بود، شکست دادند.<sup>۳</sup> از آغاز قرن سوم تا پایان قرن دوم پیش از میلاد، جمهوری روم با عبور از مرزهای شبه جزیره ایتالیا، به سرعت به عنوان یک قدرت مدیترانه‌ای ظهور کرد و این گسترش، اجتناب‌ناپذیر، روم را در مقابل قدرت دریایی مسلط آن زمان، یعنی کارتاژ، قرار داد؛ این دو ابرقدرت برای کسب حاکمیت کامل بر دریای مدیترانه وارد یک رشته درگیری‌های طولانی، خونین و سرنوشت‌ساز شدند که به جنگ‌های پونیک معروف است و در سه مرحله مجزا به وقوع پیوست؛ اوج این درگیری‌ها با ظهور فرمانده بزرگ کارتاژی، هانیبال بارکا، رقم خورد که با عبور تاریخی از کوه‌های آلپ، رومیان را تا آستانه نابودی پیش برد، اما مقاومت سرسختانه روم و پیروزی نهایی در نبرد زاما، سرنوشت جنگ دوم را مشخص ساخت و زمینه را برای پایان دادن به کارتاژ فراهم کرد؛ سرانجام، در سومین و آخرین مرحله از این جنگ‌ها، یعنی بین سال‌های ۱۴۶ تا ۱۴۹ پیش از میلاد، روم کارتاژ را به طور کامل ویران و نابود کرد؛ نتیجه این پیروزی‌های قاطع، تسلط بر سواحل غربی و جنوبی دریای مدیترانه بود که شامل سواحل اسپانیا و بخش‌هایی از شمال آفریقا می‌گردید. در همین دوره و به مرور زمان، روم با بهره‌گیری از قدرت نظامی و دیپلماسی خود، بر دیگر سرزمین‌های مهم خاور نزدیک و شمال آفریقا نیز نفوذ و کنترل یافت، از جمله مصر، سرزمین‌های حاصل خیز شام (سوریه و فلسطین امروزی)، و همچنین مناطقی که امروزه به نام‌های طرابلس، تونس، الجزایر و مراکش شناخته می‌شوند؛ و سرانجام، سوریه در آخرین مراحل این گسترش، به عنوان یکی از مهم‌ترین استان‌های شرقی به این امپراتوری نوظهور پیوست.<sup>۴</sup>

از زمانی که امپراتوری روم تأسیس شد، وسعت خارق‌العاده‌ای را به نمایش گذاشت، و این گستردگی نه تنها یک واقعیت جغرافیایی، بلکه یک باور ایدئولوژیک در میان خود رومیان بود؛ آن‌ها بر این اعتقاد بودند که قلمرو روم به هیچ مرز نهایی محدود نمی‌شود، و این دیدگاه ریشه در یک افسانه مذهبی داشت که بر اساس آن، تیرمینوس<sup>۵</sup>، خدای مرزها و حد و حدود، در هنگام تولد روم و تعیین مرزهای آن غایب بوده است،<sup>۶</sup> و همین غیبت به رومیان این حق معنوی را می‌داد که گسترش خود را نامحدود بدانند و آن را تا هر نقطه‌ای که توانستند پیش ببرند؛ بدین سان، امپراتوری روم با این ایده گسترش ابدی، به سرعت به یکی از قدرت‌های بی‌رقیب صحنه سیاسی جهان باستان تبدیل شد و در طول تاریخ خود، ادوار مختلفی را از یک نظام پادشاهی

<sup>۱</sup>. Tarentum

<sup>۲</sup>. Pyrrhus

<sup>۳</sup>. معدی، یولیوس قیصر حیاة اسطوره‌ی و نهاییه و مأساویه، ص ۱۱

<sup>۴</sup>. معدی، یولیوس قیصر حیاة اسطوره‌ی و نهاییه و مأساویه، ص ۱۲

<sup>۵</sup>. Terminus

<sup>۶</sup>. شوا، ایمی، (۲۰۱۱)، عصر الامپراطوریه کیف تتراجع القوی المطلقه علی عرش العالم و اسباب

سقوطها، ترجمه منذر محمود صالح محمد، الرياض: الميكان، ص ۷۰

اولیه آغاز کرد، سپس به جمهوری تغییر شکل داد و سرانجام به دوران امپراتوری رسمی وارد شد. در مراحل بسیار اولیه، ایتالیای مرکزی مجموعه‌ای از روستاهای متعدد بود که هر واحد به نوعی یک دولت-شهر محسوب می‌شد و شیوه مدیریت این دولت-شهرها بر اساس یک نظام قبیله‌ای یا منطقه‌ای سنتی بود که به آن پاگوس<sup>۱</sup> گفته می‌شد؛ همزمان با این تحولات سیاسی و اجتماعی، سنت‌های ادبی و تاریخ‌نگاری باستانی روم نیز پس از تأسیس، به تدریج شکل گرفت و متحول شد؛ این تحولات که از اوایل قرن پنجم پیش از میلاد آغاز شده بود، تا پایان قرن سوم پیش از میلاد به کمال رسید، زمانی که مورخان رومی مهمی از جمله فابیوس پیکتور<sup>۲</sup> نگارش تاریخ روم را به زبان یونانی آغاز کردند و بدین ترتیب، شالوده اصلی تاریخ‌نگاری مکتوب روم پایه‌ریزی شد.<sup>۳</sup> خشونت و استبداد لجام‌گسیخته تارکوینوس متکبر<sup>۴</sup> به عنوان آخرین فرمانروای سلطنتی، نقطه پایان نظام پادشاهی روم بود و زمینه‌ساز تأسیس جمهوری نوپا شد.<sup>۵</sup> با سقوط سلطنت در سال ۵۰۹ پیش از میلاد، جمهوری روم رسمیت یافت. در ابتدای کار، روم تنها یک شهر کوچک در میان شبه جزیره ایتالیا بود که از نظر هویت و ساختار، یکی از شهرهای لاتینی مشابه سایر شهرهای ایالت لاتئوم به شمار می‌آمد. با فرا رسیدن اوایل قرن پنجم پیش از میلاد، جمهوری نوظهور به تدریج تسلط خود را بر ملت‌ها و قبایل مجاور آغاز کرد. این دوره نه تنها با گسترش نظامی، بلکه با تغییرات عمیق سیاسی، نظامی و فرهنگی همراه بود که ساختار دولت رومی را شکل داد.<sup>۶</sup> جمهوری روم در این فرآیند، نقش بسزایی در یکپارچگی سیاسی شبه جزیره ایتالیا ایفا کرد و پس از آن، به سمت فتوحات فرامرزی گام برداشت. این گسترش تا جایی ادامه یافت که سوریه به عنوان آخرین ایالت مهم به این قلمرو اضافه شد. با این حال، گسترش عظیم قلمرو نتوانست ثبات داخلی را تضمین کند؛ سلسله انقلاب‌ها و جنگ‌های داخلی مخرب، تیشه به ریشه جمهوری زد و نهایتاً منجر به برپایی مجدد حکومت امپراتوری شد. امپراتوری روم در اوج خود، آمیزه‌ای چندفرهنگی از شهرها و اقوام محلی گوناگون بود. بخش قابل توجهی از این جمعیت، طی یک فرآیند پیچیده در شبکه روابط اجتماعی روم در هم تنیده شدند و چارچوب جامعه رومی را بنا نهادند؛ جامعه‌ای که آمیخته‌ای از فرهنگ‌ها و طبقات اجتماعی مختلف بود و قدرت و دوام امپراتوری را تأمین می‌کرد.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> . Pagos

<sup>۲</sup> . Fabius Pictor

<sup>۳</sup> . Forsythe, G. (۲۰۰۵). A critical history of early Rome: from prehistory to the first Punic War. London: Univ of California Press. p۹۳

<sup>۴</sup> . Tarquinius Superbus

<sup>۵</sup> . Penrose, J. (Ed.). (۲۰۰۵). Rome and her enemies: an Empire created and destroyed by war. Great Britain: Osprey Publishing. p۲۰

<sup>۶</sup> . Flower, H. I. (Ed.). (۲۰۱۴). The Cambridge companion to the Roman republic.

Second Edition. New York: Cambridge University Press. p۱۶۱

<sup>۷</sup> . لور، باتریک، (۲۰۰۸م)، **الامپراطوریه الرومانیه**، ترجمه جورج کتوره، بیروت: دارالکتب الجدید المتحدہ، ص

## ساختار اجتماعی امپراتوری روم

گستره حدود و ثغور امپراتوری روم در اوج خود به شکلی بی سابقه وسعت یافت و یک محدوده جغرافیایی پیچیده را در بر گرفت که اراضی گسترده‌ای از سه حوزه تمدنی اروپا، آسیا و شمال آفریقا را شامل می‌شد. این قلمرو از منظر فرهنگی با یک دوزبانگی ساختاری مشخص می‌شد؛ زبان لاتین به عنوان لینگوا فرانکا<sup>۱</sup> نظامی و حقوقی، بر غرب و زبان یونانی (کوینه)، به عنوان زبان فرهنگ و تجارت، بر شرق حاکم بود. جامعه روم جامعه‌ای طبقاتی با ساختار هرمی بود. بر اساس ساختار هرمی طبقات جامعه رومی از این قرار است: در نخستین سطح، طبقه حاکم سناتوری<sup>۲</sup> قرار داشتند؛ این طبقه که از لحاظ عددی نسبتاً کوچک بودند، عملاً حکمرانی و مدیریت عالی امپراتوری را در پایتخت، روم را در دست داشتند. ثروت و قدرت سیاسی این افراد مستقیماً از مالکیت بر زمین‌های وسیع نشأت می‌گرفت، که این املاک چه در خود ایتالیا و چه در استان‌های خارج از آن گسترده بودند. دومین لایه، طبقه سوارکاران یا بازرگانان بودند؛ این طبقه، برخلاف سناتورها، پرتعدادتر بوده و به دلیل فعالیت‌های گسترده در حوزه‌های تجارت، بانکداری و پیمانکاری دولتی، از نفوذ اقتصادی و اجتماعی فراوانی در جامعه بهره‌مند بودند. از لحاظ ثروت انباشته شده، طبقه سوارکاران مترقی‌ترین و ثروتمندترین طبقه پس از سناتورها محسوب می‌شدند و موتور محرکه مالی امپراتوری بودند. سومین و بزرگترین بخش ساختار اجتماعی را عامه مردم و طبقات پایین‌تر تشکیل می‌دادند؛ این طبقه ناهمگون از مجموعه‌ای از تاجران خرده‌فروش، صاحبان حرفه‌ها و مشاغل شهری، کارمندان دیوان‌های دولتی (که می‌توانستند شامل بردگان دولتی نیز باشند)، و زمین‌داران کشاورزی آزاد که در روستاها فعالیت می‌کردند، شکل می‌گرفت. این توده عظیم، اگرچه از حقوق شهروندی برخوردار بودند، اما نقش آن‌ها عمدتاً در تأمین نیروی کار و خدمات عمومی خلاصه می‌شد.<sup>۳</sup> ایالت‌های رومی واقع در ورای مرزهای شبه جزیره ایتالیا، نه صرفاً قلمروهای فرعی، بلکه هسته حیاتی و کانون مدیریت مالی امپراتوری را تشکیل می‌دادند. این مناطق عظیم، از طریق یک نظام اداری متمرکز و سلسله‌مراتبی اداره می‌شدند که در رأس آن، فرمانداران عالی (مانند پروکنسول‌ها یا لگاتوس‌های امپراتوری) و زیر نظر آن‌ها، مأموران مالی (پروکوراتورها) قرار داشتند. نقش کلیدی این نظام، تضمین جریان مداوم منابع مالیاتی بود که از ساکنان اخذ می‌شد. این مالیات‌ها، که شامل مالیات بر زمین و مالیات سرانه می‌شد، مستقیماً به خزانه کشور روم سرازیر می‌گشت و سهمی تعیین‌کننده در تأمین هزینه‌های نظامی دائمی، زیرساخت‌های عمومی و یارانه‌های غذایی پایتخت داشت.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>. lingua franca

<sup>۲</sup>. Ordo Senatorius

<sup>۳</sup>. السعدنی، حضاره الرومان: مند نشأتها حتی نهاییه القرن الاول المیلادی، ص ۱۳۵

<sup>۴</sup>. سفینسیسکایا، ا.س. (۲۰۰۷)، المسيحيون الاوائل و الاميراطوريه الرومانيه: خفايا القرون، ترجمه حسام

میخائیل إسحاق، دمشق: دار علاءالدین، ص ۹۶